یادداشت: آیا ما بدهکار به دنیا آمده ایم؟

اخیرا معاونت امور بین الملل وزارت امور اقتصادی و دارائی نسخهء جدید نشریه بررسی‏ همکاریهای اقتصادی ایران با کشورهای مستقل‏ مشترک المنافع را انتشار داده است که آمار مبادلات‏ سال 72 را نیز دربردارد.

اینکه وزارت امور اقتصادی و دارائی چند سالی‏ است دست به انتشار نشریات گوناگون زده است جای‏ خوشوقتی و قدردانی دارد،زیرا که بدون داشتن آمار قابل اتکاء،نفیا یا اثباتا نیمتوان در مسائل ملی‏ که متعلق به همهء مردم کشور است،صحبت کرد. پیش از این کتاب نیز،کتاب آمار مبادلات کالاهای‏ غیرنفتی ایران با کشورهای جهان(با درج آمار سال‏ 72)از سوی همین معاونت،انتشار یافته است.

در کتاب اخیر الذکر،در بحث‏"نگاهی به روابط بازرگانی خارجی(غیرنفتی)ایران به فرازها و عبارات جالبی برمیخوریم.از جمله:"از سال‏ 1358 لغایت 1372 با 166 کشور جهان دارای روابط بازرگانی غیر نفتی داشته‏ایم و تراز کل بازرگانی‏ خارجی غیر نفتی ایران همواره منفی بوده است.در عبارت شماره 7 این نشریه میخوانیم:

"در سال 1372 جمهوری اسلامی ایران با 116 کشور روابط بازرگانی غیرنفتی داشته است.ارزش- صادرات غیرنفتی ایران 484،801،746،3 دلار و ارزش واردات ایران 491،534،036،20 دلار بوده است و به این ترتیب تراز کل بازرگانی غیرنفتی‏ ایران مجموعا در این سال 007،733،289،16 دلار منفی بوده است.(در این سال برای اولین بار تراز بازرگانی غیرنفتی ایران با کشورهای آلبانی، پاکستان،تانزانیا،مالی و ونزوئلا مثبت گردیده‏ است.)این رقم مربوط به سال گذشته است که‏ واردات نسبت به سال قبل از آن ما از 7/28 میلیارد دلار به 20 میلیارد دلار کاهش یافته و واردات غیرنفتی‏مان‏ از 7/2 میلیارد دلار به 7/3 میلیارد دلار رسیده‏ است.یعنی نزدیک به 10 میلیارد دلار از کسر موازنهء تجارت خارجی غیرنفتی‏مان کاسته شده است و سهم‏ صادراتمان به کشورهای مذکور نسبت به کل‏ صادراتمان از 6/7 درصد به 5/4 درصد تنزل کرده‏ است.

حال اگر بهانه‏ای داشته باشیم که سنتا کشور ما صادرکننده نفت بوده و درآمد نفت به هر حال قسمت‏ عمده‏ای از کسر موازنهء تجارت خارجی ما را جبران‏ کرده است،در مورد کشورهای جدید الاستقلال‏ عضو جامعهء مشترک المنافع شوروی سابق چنین‏ بهانه‏ای نداریم.ما بارها و بارها ادعا کرده‏ایم که‏ این کشورها بازارهای طبیعی ایران هستند.اگر بر روی نقشه جغرافیا نگاه کنیم نیز جز این نتیجه‏ای‏ نمی‏گیریم.اگر به گذشته‏های تاریخی ایران و هر یک از این کشورها نگاه کنیم به این نتیجه میرسیم که سوابق‏ دادوستد دیرین بین ما و آنها حکمفرما بوده است،اگر به عقاید و علائق مذدهبی نگاه کنیم اکثر آنها را مسلمان‏ می‏یابیم و دادوستد بین برادران دینی طبعا باید مستحکمتر باشد-و بالاخره اگر به از میان رفتن‏ ارگانهای عمومی مملکتی ظرف 74 سال سلطهء کمونیسم در این کشورها بنگریم می‏بینیم که فاقد بسیاری سازمانهای ارتباطی ضروری برای داشتن‏ صادرات قابل توجه،لااقل در میان مدت،هستند. و باین ترتیب جمهوری اسلامی ایران باید بتواند با این کشورهای نوپا دادوستد مثبت یعنی با ترازی‏ بنفع کشور خودمان داشته باشد.متأسفانه در همین‏ مدت چند سال که از دادوستد ما با این کشورهای‏ جدید الولاده میگذرد،مشاهده میکنیم که هر سال‏ بر کسرتر از بازرگانی ما با این کشورها افزوده میشود. گوئی که ما تعهد کرده‏ایم تحت هر شرایط مثبت یا منفی،بدهکار باشیم.

آمار زیر وضع اسفناک مبادلات غیرنفتی ما را با کشورهای مستقل مشترک المنافع در سالهای 71 و 72 نشان میدهد و بخصوص روند رو بفزونی کاهش تراز بازرگانی به ضرر ما را آشکار میسازد.

در سال 71،جمعا 730 میلیون دلار با کشورهای‏ مذکور مبادلهء بازرگانی داشته‏ایم که این رقم در سال 72 با 8/17 درصد افزایش به 860 میلیون دلار رسیده است که تا اینجا مسأله در حد خود جالب‏ است.اما اگر به ارقام تفکیکی واردات و صادرات‏ توجه کنیم خوشحالی ما فورا زائل میشود.بعبارت‏ دیگر ما که در سال 71 معادل 214 میلیون دلار کالا به‏ کشورهای مذکور صادر کرده بودیم در سال 72 نه فقط از آن 8/17 درصد افزایش مبادلات فیمابین‏ سهمی نبردیم،بلکه صادراتمان به کشورهای مذکور به 168 میلیون دلار تقلیل یافت که 46 میلیون دلار کاهش نشان میدهد.اگرچه گزارش 32 میلیون دلار این رقم را مربوط به کاهش صادرات گاز طبیعی‏ به جمهوری آذربایجان میداند،اما این توجیه تغییری‏ در اصل مسأله کاهش صادرات در برابر افزایش‏ واردات با کشورهای جدید الولاده که باید علی- الاصول تا مدتها وارد کننده باشند نمیدهند.

در توجیه نکته اخیر الذکر باید گفت:صادرات‏ کشورهای مستقل مشترک المنافع که در سال 71 برابر 517 میلیون دلار بود در سال گذشته به رقم 724 میلیون دلار افزایش یافت و به این ترتیب این کشورها سهم خود را در کل واردات ایران ظرف یکسال از 8/1 درصد به 6/3 درصد افزایش دادند.ملاحظه‏ می‏فرمائید،کشورهائی که تا دیروز جزئی از یک کشور وسیع‏تر و فاقد استقلال و شخصیت حقوقی بین المللی‏ بوده‏اند،و بسیاری از سازمانها و نهادهای ضروری‏ برای تجارت خارجی در آنها وجود نداشته است، امروز با چه سعی و تلاشی میکوشند تا تراز بازرگانی‏ مثبتی بر جای بگذارند و آنوقت کشور شبه قاره‏ای‏ ایران با داشتن انواع محصولات کشاورزی و ذخایر معدنی و دریائی باید حتی در برابر این کشورها تراز تجاری منفی داشته باشد تا چه رسد به دیگران.

توسعهء روابط تجاری برای ما وقتی میتواند مفید واقع باشد که کالاهائی را باارزش افزوده بیشتر صادر کنیم و پول بدست آوریم نه اینکه دائما بر بدهکاری ما افزوده شود.ما ناچاریم فرض کنیم نفتی برای‏ صادرات نداریم.زیرا که در آینده،نفت بعنوان‏ سوخت نه قابل اتکاء است و نه برای کشور صادرکننده‏ مقرون بصرفه است که نفت خام صادر کند.البته این‏ گفته به هیچوجه به معنی آن نیست که ما،در چاههای‏ نفت خود را ببندیم.بلکه باید حداکثر استفاده‏ معقول را از آنها بنمائیم لیکن نفت استحصالی را به‏ صدها و هزارها کالای مورد نیاز دنیای امروز و فردا تبدیل کنیم و با بهترین ارزش افزوده،فراورده‏هائی‏ را که از نفت بدست می‏آید روانهء بازارهای جهانی‏ بنمائیم.

بهر صورت کسری تراز تجاری ما با کشورهای مستقل‏ مشترک المنافع که در سال 71 برابر 303 میلیون‏ دلار بوده است در سال 72 به 555 میلیون دلار رسیده‏ است و اگر فورا تدابیر اساسی برای توازن تجاری با این کشورها آغاز نشود،خیلی زود گروهی جدید طلبکار اطراف ما را احاطه خواهند کرد.این ضرب‏ المثل قدیمی را،که من یکبار دیگر نیز از آن استفاده‏ کرده‏ام،تکرار میکنم که:"دوستی بجای خود، بزغاله یکی هفت صنار"دوستی ما با کشورهای‏ مشترک المنافع جدید التأسیس بجای خود،ولی‏ داشتن تراز تجاری مثبت یا لااقل برابر نیز بجای خود.

در میان کشورهای مستقل مشترک المنافع بالاترین‏ سهم دادوستد ما با جمهوری آذربایجان بوده است‏ که در سال 71 معادل 9/27 درصد از صادرات ما به‏ کشورهای مذکور را خریداری کرده است و در سال 72 سهم مذکور به 41 درصد رسیده است.متقابلا 8/58 درصد از واردات ایران از کشورهای مستقل‏ مشترک المنافع از جمهوری آذربایجان بوده است. عمده‏ترین رقم خرید آذربایجان از ایران گازوئیل‏ بوده است که از رقم 304 میلیون دلاری خرید کشور مذکور از ایران در سال 71 معادل 227 میلیون دلار آن مربوط به گازوئیل بوده است اما در سال 72 از 420 میلیون دلار خرید جمهوری آذربایجان از ایران، سهم گازوئیل به 127 میلیون دلار کاهش یافته است. متأسفانه اینگونه نوسانات شدید در تجحارت خارجی‏ در سابق نیز با کشور اتحاد شوروی داشتیم و گاه از یک‏ سال به سال بعد صادرات ما با آن کشور ابرقدرت،به‏ نصف یا حتی ثلث تقلیل می‏یافت.چنین روندی‏ در تجارت خارجی با هر کشوری،قدرت برنامه‏ریزی‏ صادراتی را از ما سلب میکند.از اینرو لازم است از هم اکنون با این کشورهای جدید التأسیس در مورد فروش کالاهای صادراتی،آنهم کالائیکه اهمیت‏ استراتژیک و نیاز به برنامه‏ریزی بلندمدت دارند، مانند نفت و گازوئیل و مواد پتروشیمی و فلزات اساسی، قراردادهای بلندمدت و میان مدت با ضمانت اجرا به بندیم و اجازه ندهیم که از طریق بازی با عرضه و تقاضای بازارهای خارجی،بی‏هنگام،ضررهای‏ هنگفت و پیش‏بینی نشده به ما وارد کنند هنوز بیاد داریم که در شوروی سابق،اغلب در آخرین روزهای‏ فصل فروش کشمش،ناگهان روسها از خرید خودداری میکردند و صادرکننده به حساب بازار شوروی از فعالیت در دیگر بازارها خودداری کرده‏ بود،مجبور میشد با هر قیمتی که آنها پیشنهاد میدادند محصول خود را بفروش برساند.اگر صادرات‏ در برنامه دوم نقش اساسی و کلیدی دارد برنامه‏ریزی صادراتی نیز باید با دقت و هوشیاری کامل تهیه و اجرا گردد.البته ما باید بتوانیم به طرفهای خود بقبولانیم‏ که در برابر خرید کالاهائی که اهمیت استراتژیک‏ دارند،کالاهای معمولی را نیز در حد معقول و متوازن از ما خریداری کنند.

فدراسیون روسیه،یعنی بزرگترین کشور بر جای‏ مانده از کشور تجزیه شدهء شوروی سابق،در میان‏ جمهوریهای مستقل مشترک المنافع،دومین شریک‏ تجاری ایران بوده است که در سال 71 معادل 61 و در سال 72 معادل 20 درصد از صادرات ایران به‏ جمهوریهای مذکور به این کشور رفته است و باز هم در اینجا شاهد تنزل سهم خود در تجارت با فدراسیون‏ روسیه هستیم،آنهم بمیزان 41 درصد.وارداتمان‏ نیز از فدراسیون مذکور از 39 درصد(نسبت به کل‏ جمهوریهای مورد بحث)به 8/25 درصد تنزل کرده‏ است.

مولداوی و قرقیزستان کمترین مبادلات را بین‏ کشورهای مستقل مشترک المنافع،با جمهوری‏ اسلامی ایران داشته‏اند و با روسیه سفید(بلوروسی) هیچگونه مبادله‏ای نداشته‏ایم).در این میان‏ آنچه جای حرف دارد قرقیزیستان است که علی الاصول‏ باید بتواند یکی از شرکای مهم تجاری ایران باشد. دراین زمینه نیاز به مذاکرات بیشتر و انعقاد قراردادهای متقابل و لازم الاجرا میباشد.زیرا که‏ این کشور از طریق تاجیکستان-افغانستان و سپس‏ ایران یا از طریق ازبکستان-ترکمنستان و سپس ایران‏ باید خود را به دریای آزاد برساند و طبعا وقتی ایران‏ دروازه حیاتی چنین کشوری محسوب میشود،باید بتواند با آن دادوستد متوازن و در حد شایسته‏ای‏ داشته باشد،فراموش نکنیم که دادوستد و،آنچنانکه‏ از عبارت مفهوم میشود،یک ترافیک دو طرفه است‏ و واگذاری راه-راه‏آهن-جاده،کامیون-واگن، کشتی،اسکله،انبار به یک کشور برای آنکه در داد و ستد بین المللی توفیق یابد فقط در سایهء قراردادهای‏ دو جانبه که منافع دو طرف را در حد مطلوب حفظ کند میسر است،در غیر اینصورت ایران هیچ الزام و اجباری به این امر ندارد.

اگر چه دادوستد ایران با سه کشور همسایه شمالی‏ یعنی ترکمنستان-آذربایجان و ارمنستان مجموعا 2/65 از صادرات ایران به جمهوریهای مستقل‏ مشترک المنافع را بخود اختصاص داده و متقابلا 5/60 درصد از واردات از آن کشورها بوده است با دو کشور آذربایجان و ارمنستان در سالهای 71 و 72 تراز منفی داشته‏ایم که بر رقم منفی آن نیز افزوده شده‏ است به این معنی که تراز بازرگانی ایران با آذربایجان‏ که در سال 71 معادل 244 میلیون دلار کسری داشت‏ در سال 72 به کسری 352 میلیون دلاری رسید و کسری‏ تراز بازرگانی با ارمنستان نیز در این دوران از 472 هزار دلار به 7/11 میلیون دلار بالغ شد.در این‏ میان فقط دادوستد با ترکمنستان تراز مثبت نشان‏ میدهد که از 12 میلیون دلار در سال 71 به 8/13- میلیون دلار در سال 72 افزایش پیدا کرده است.

ترکیب کالاهای مورد دادوستد

نگاهی به ترکیب کالاهای مورد دادوستد با کشورهای مستقل مشترک المنافع ظرف دو سال مورد بحث،تا حدودی زمینه‏های رشد تجارت با این منطقه‏ را در آینده روشن میسازد.

از نظر صادرات عمده‏ترین کالاهائی که در سال‏ 72 ایران به کشورهای مذکور صادر کرده است عبارت‏ بوده‏اند از:

انواع پارچه(به ارزش 29 میلیون دلار)وسائط نقلیه زمینی(به ارزش 5/13 میلیون دلار)انواع‏ میوه تازه و خشک(به ارزش 5/20 میلیون دلار- سبزیجات و نباتات و فراورده‏های آن(به ارزش‏ 10 میلیون دلار)-لباس و متفرغات آن(به ارزش‏ 8/9 میلیون دلار-انواع کفش(به ارزش 6/8 میلیون‏ دلار)شیرینی-شکلات و کاکائو(به ارزش 6/8 میلیون دلار)و کالاهای دیگری از قبیل چرم و محصولات چرمی-پتو-ملحفه و رومیزی-سنگ فلز و کنستانتره(به ارزش 4/7 میلیون دلار)ماشین آلات‏ صنعتی-محصولات داروئی-فراورده‏های غلات- انواع مبل و صندلی-مواد و محصولات پلاستیکی- انواع ساعت و نمد و کف‏پوش.

واردات ایران از کشورهای مستقل مشترک المنافع‏ نیز مرکب از اقلام گوناگون بوده که عمده‏ترین آنها در سال 72 عبارت بوده است از:انواع سوخت از قبیل‏ گازوئیل و روغنهای معدنی(به ارزش 7/127 میلیون‏ دلار)توضیح آنکه این قلم در سال 71 معادل 7/226 میلیون دلار بوده است.مصنوعات از چدن(به ارزش‏ 2/186 میلیون دلار)-انواع ماشین‏آلات-توربین‏ و دیگ بخار(9/63 میلیون دلار)کاغذ و مقوا(به‏ ارزش 6/28 میلیون دلار)وسائط نقلیه زمینی(به‏ ارزش 20 میلیارد دلار)آلومینیوم،مس و فلزات‏ معمولی(به ارزش 25 میلیون دلار)-ماشین‏آلات‏ و مولدهای برق(به ارزش 5/57 میلیون دلار)مواد و محصولات پلاستیکی(6/13 میلیون دلار)پنبه‏ کوهی(به ارزش 23 میلیون دلار)و چند قلم کالاهای‏ دیگر مانند شیشه و مصنوعات شیشه‏ای-محصولات‏ شیمیائی-آلات موسیقی-کائوچو و فرآورده‏های آن، کودهای معدنی-چوب و زغال چوب و غیره.

نتیجه‏گیری آنکه،در مجموع همینکه ما توانسته‏ایم‏ با کشورهای جدید التأسیس جدا شده از شوروی سابق‏ روابط تجاری رو به گسترشی ایجد کنیم خود یک‏ نکته مهم است،لیکن در این میان باید با کمال‏ هوشیاری مراقب باشیم که رابطه مبادله‏ Terms of Trade بنفع ما باشد. باید بتوانیم کالاهائی باارزش افزوده بیشتر صادر کنیم و در عوض مواد خام صنعتی یا ماشین‏آلاتی که‏ نهایتا به ما ارزش افزوده خواهند داد وارد کنیم و بالاخره باید تراز بازرگانی مثبتی با این کشورها داشته باشیم و بخصوص دقت کنیم که این کشورها برای ما بصورت بازارهای دست دوم و فروشندهء محصولات سایر کشورها درنیانید.